

نقش زن در آینده جهان با تاکید بر تحولات اجتماعی و فرهنگی

سمانه پاینده فرد^۱

چکیده

جامعه برای باروری و پویایی: «در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، نیازمند نیروی عظیم زنان است. هر فرد بر اساس حق طبیعی و انسانی خود، حق دخالت در سرنوشت اجتماعی خود را دارد. نقش زنان در آینده جهان با تحولات اجتماعی و فرهنگی، در حال تغییر و تحول است که به طور فزاینده ای در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حضور فعال دارند و این حضور، تأثیرات عمیقی بر جوامع خواهد داشت. هدف از پژوهش حاضر، نقش زن در آینده جهان با تاکید بر تحولات اجتماعی و فرهنگی است. با این که اسلام بر فعالیت های اجتماعی زنان تأکید داشته و نمود عینی آن در پیروزی انقلاب و پس از آن به نحو چشمگیری افزایش داشته است؛ اما بزرگترین مانع برای حضور بیشتر زنان در صحنه های سیاسی و اجتماعی را می توان در عوامل فرهنگی جستجو کرد. در بسیاری از موارد، باورهای غلط و ملاحظات نادرست اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی است که مانع از مشارکت اجتماعی زنان می شود. البته عوامل ثانویه مانند جامعه پذیری نیز به این نقیصه دامن می زند. یافته های این پژوهش نشان می دهد که افزایش مشارکت زنان در بازار کار، رهبری و تصمیم گیری، آموزش و پرورش، و همچنین نقش آنها در خانواده و تربیت نسل آینده، از جمله مواردی هستند که در آینده جهان اهمیت بیشتری خواهند یافت. در نتیجه، نظام آموزشی و رسانه های جمعی می توانند ضرورت حضور زنان در صحنه های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، خدماتی و... را تبیین و تصورات غلط و گرایشهای افراطی و تفریطی را بزدايند و بستر مناسب را برای مشارکت فعال زنان فراهم آورند. پژوهش حاضر به روش توصیفی، تحلیلی و با استناد از منابع کتابخانه ای تالیف شده است.»

کلمات کلیدی: نقش، زن، آینده جهان، تحولات، اجتماع، فرهنگی.

^۱ Payandesamane@gmail.com

نقش زنان در آینده جهان: «به تحولات اجتماعی و فرهنگی، نقشی کلیدی و روبه‌گسترش، ر حال تغییر و تحول است. این نقش دیگر محدود به مسائل خانوادگی و سنتی نیست و زنان به طور فزاینده‌ای در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حضور دارند و تاثیرگذار هستند. تحولات اجتماعی و فرهنگی، فرصت‌های جدیدی را برای زنان ایجاد کرده و در عین حال، چالش‌هایی را نیز به همراه دارد. امروز گفتمان زنان گفتمانی غالب در سطح جامعه است و از آنجا که نیمی از هر جامعه زنان شکل می‌دهند، مسائل مربوط به آنان حائز اهمیت است. ولی در این مقاله سعی شده است تا به زنان و مشارکت اجتماعی زنان و همچنین نقش زن در آینده جهان با تاکید بر تحولات اجتماعی و فرهنگی پرداخته شود. پژوهش حاضر با هدف نقش زن در آینده جهان با تاکید بر تحولات اجتماعی و فرهنگی است.»

اسلام و مشارکت اجتماعی

از نظر اسلام زن نیز مانند: «مرد رسالت الهی، انسانی دارد و باید ضمن مشارکت و همیاری، زمینه حضور فعال خود را در همه عرصه‌ها فراهم آورد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز این رویکرد پذیرفته شده است.»

از دیدگاه اسلام مردان و زنان علی‌رغم تفاوت‌های طبیعی (جسمی و روحی) در بعد ارزشی یکسانند. در مسیر تکامل و عبادت هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. چنانچه در کریمه‌هایی چون: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» و «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» و «أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى» و «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يظْلُمُونَ نَقِيرًا» به آن تأکید شده است. واگذاری مسئولیت‌های خطیری: «چون قضاوت و حکومت به مردان، هرگز به معنای کاستن کرامت زنان نیست؛ بلکه به خاطر رعایت تناسب طبیعی در بخش مسئولیت‌هاست. از دیدگاه اسلام، فلسفه احکام و تکالیف مربوط به زنان نه از باب محدودیت و محرومیت است و نه از سر تبعیض و ناروایی؛ بلکه به معنای حمایت و صیانت از گوهر وجودی زن است. احکام و تکالیفی همانند حجاب، مهر، نفقه، حضانت، قیمومیت، ولایت، شهادت و... عطیه‌های آسمانی اند که بار تکالیف سنگین اجتماعی را از دوش زنان برداشته تا به وظیفه اساسی خود که همانا تربیت و اصلاح نسل‌هاست بپردازند؛ زیرا زن مبدأ همه سعادت‌ها و مربی جامعه و مبدأ خیرات است.»

در کریمه قرآنی آمده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ» (نور، ۶۲) یعنی: «مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند بی اجازه او به جایی نمی‌روند.» در حقیقت، مؤمنان معتقد: «مسائل اجتماعی را به خوبی درک نموده و در مواقع مقتضی به فرمان رسول و اولیاء الله بر حسب ضرورت در عرصه‌های مختلف جامعه حضور فعال دارند.»

بعضی از اندیش ورزان اسلامی منظور از: «امر جامع را هر کار مهمی می دانند که اجتماع مردم در آن لازم است و همکاریشان ضرورت دارد؛ مانند تظاهرات در برابر طغیان و استکبار، حضور در انتخابات، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، تأیید رهبری و مسئولان خدمتگزار نظام و...» (جوادی آملی، ص ۲۹۶)

در پرتو این نگرش: «قرآن کریم صحنه های حضور فعال زنان در عرصه سیاسی - اجتماعی را بر می شمارد. آنجا که درباره بیعت زنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جایگاه رهبری جامعه اسلامی، می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يَشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا... فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه، ۱۲) «ای پیامبر؛ چون زنان مؤمنه آیند که با تو بر ایمان بیعت کنند که دیگر هرگز شرکی به خدا نیاورند... با آنها بیعت کن و بر آنان از خدا طلب آمرزش کن. خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.»

در تاریخ اسلام: «حساس ترین و تعیین کننده ترین صحنه سیاسی - یعنی بیعت - دو بار، یکی در حدیبیه و بار دیگر در فتح مکه انجام گرفت. در بیعت عقبه اولی زنی به نام عفره دختر عبیده بن ثعلبه و در عقبه ثانی زانی به نامهای: نسیمه دختر حارث همدانی، خواهرش نسیمه دختر کعب از بنی خزرج، ام منیع و اسماء دختر عمرو بن عدی حضور داشتند. (آیت اللمی، ص ۲۳) در بیعت رضوان نیز نام سه نفر از زنان در منابع تاریخی ذکر شده است: ربیع بنت معوذ، بنت هاشم الضاریه و نسیمه دختر حارث (حسون و دیگران، ص ۶۲۴) و بالاخره پشتوانه خلافت حضرت امیر علیه السلام نیز بیعت مردم، از جمله زنان بود.» (فیض الاسلام، خطبه ۲۲۰)

در روایتی از امام باقر علیه السلام هم نقل شده: «در بین گروندگان به حضرت ولی عصر (عج) نیز پنجاه زن وجود دارد که بین رکن و مقام در مسجد الحرام، با آن حضرت بیعت می کنند.» (مجلسی، ص ۲۲۳) در صدر اسلام دو بار نیز هجرت سرنوشت ساز اتفاق افتاد: «یکی از مکه به حبشه و دیگری از مکه به مدینه که در هر دوی آنها زنان مشارکت داشته و قرآن نیز آن را تأیید نموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ» (ممتحنه، ۱۰)

هجرت عملی سیاسی و مبارزه عملی با طاغوت: «برای برداشتن موانع رشد و تکامل بشر است. افزون بر این، عملکرد زنان الگوی صدر اسلام در مقاطع حساس مانند حضرت زهرا علیها السلام، حضرت زینب و ام سلمه و دیگران گواهی بر حضور فعال آنان در صحنه های سیاسی، اجتماعی و تأییدی از سوی اسلام مبنی بر جواز مشارکت آنان است.» «زنان پیشتاز در عرصه سیاست همانند سوده همدانی و زنان نام آور دیگر که در برابر کژاندیشی ها و ستمگریها آرام نگرفتند، از جلوه های درخشان تاریخ اسلام است.» (جوادی آملی، ص ۳۲۹-۲۹۴) قرآن کریم: «زنان مؤمن را همچون مردان، مکلف ساخته که در شرایطی که جامعه دچار آلودگیهای معنوی شدید شده است مهاجرت کرده و به سرزمینی که قانون خداوند اجرا می شود اقامت گزینند؛ مگر آنانی که از اجرای چنین حکمی معذورند.» (زمر، ۵۶) در میان زنان مهاجر به مدینه: «فاطمه بنت اسد وجود دارد و به فرموده امام صادق علیه السلام او اولین زنی بود که به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله پیاده از مکه به مدینه هجرت

نمود. (کلینی، ص ۳۷۷) در این هجرت، زینب دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و دختر دیگر آن حضرت (فاطمه زهرا علیها السلام) نیز از جمله مهاجران بودند.»

اگر جهاد: «را از بارزترین جلوه های سیاست دینی به حساب آوریم، حضور زنان به منظور آبرسانی، پرستاری، تدارکات جنگ و انتقال اجساد حضور چشم گیری است (مجلسی، ص ۳) و در مواردی نیز که امر دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله به میان می آمد از آن دریغ نمی کرده اند. حضور مؤثر فاطمه زهرا علیها السلام در شعب ابی طالب و مساعدتهای ایشان باعث شد که لقب «ام ابیها» بگیرند. (آل ابی طالب، ص ۷۱) حضور ایشان در جنگ احد، خندق و فتح مکه و خطبه های آن حضرت پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مناظره های وی با انصار مدینه همگی بیانگر نقش زن مسلمان در عرصه سیاست و اجتماع است.» نقشی که ام سلمه در دفاع از ولایت: «پس از رسول خدا ایفا کرد ستودنی است و همه در دفاع از خطبه حضرت زهرا علیها السلام در مسجد و در اعتراض به غصب فدک، کار ایشان را به جایی رساند که به قطع مقرری یک ساله از بیت المال منتهی شد. او امین اسرار رهبران سیاسی - الهی آن دوران بود.» (آیت الهی، ص ۱۴۰) تاریخ اسلام مملو از زنانی است: «که در راه اصلاح جامعه و نیل به اهداف نبوی و ولایی، شکنجه، رنجها و مشقتها و حتی شهادت ها را به جان خریده و از هیچ کوششی دریغ نورزیده اند؛ مانند شهادت سمیه، اول شهید اسلام که به فرموده امام حسن عسکری علیه السلام مشمول آیه شریفه: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...» است. (مجلسی، ص ۳۳۸)

در همین راستا: «شکنجه های ام شریک توسط مشرکان مکه و شهادت ام فروه به جرم دفاع از ولایت امام علی علیه السلام و... همه و همه گویای ایفای نقش زنان در عرصه اجتماع دینی است. (الامامه و السیاسة، ص ۱۳۶) گذشته از شواهد تاریخی، ادله شرعی و خطابات قرآنی و روایی در خصوص تکالیف سیاسی مسلمانان اطلاق داشته و مخاطب آنها مسلمانانند؛ مانند آیات پیرامون امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری و نظایر آنها. ضمناً بسیاری از فعالیت های سیاسی زنان با تأیید و یا تقریر معصومین علیهم السلام همراه بوده است. هر چند حضور در اجتماع برای زنان امری ارزنده و مفید است؛ اما نباید با تحکم و اجبار آنان را به صحنه اجتماع آورد و چنانچه زنی می پندارد که حضور در خانه و تربیت فرزند، تأثیر بیشتری دارد، باید در همان حیطه، مسؤولیت پذیر باشد و اگر زنی در خود توانایی و علاقه مندی در فعالیتهای تولید فرهنگی و سیاسی و... می بیند، باید زمینه های حضور او در هر دو عرصه فراهم آید. (مکتبی، ص ۹-۱۰) زن از نظر اسلام و در سایه حکومت اسلامی می تواند در اجتماع حضور مؤثر داشته باشد و توانمندی خود را به اثبات برساند. «زن از دیدگاه اسلام از لحاظ انسانی و داشتن افکار و اندیشه های بشری با مرد برابر است و در این زمینه اسلام کسی را بر دیگری برتر نمی داند. اگر مرد می اندیشد، دانش می اندوزد، تعقل می کند، دارای حق انتخاب و اختیار است، زن نیز از تمام این ویژگیها بی کم و کاست برخوردار است. آنچه اسلام برای زن و مرد ارزش می داند و آن را معیار برتری قرار می دهد، همان تقواست. (فقیهی، ص ۵) حضرت امام رحمه الله درباره این حق مسلم زنان می فرماید: «زن انسان است؛ آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است... مربی انسانها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن باید دارای حقوق مساوی با مرد باشد. اسلام بر تساوی زن و مرد تأکید کرده است و به

هر دوی آنها حق تعیین سرنوشت را داده است؛ یعنی این که باید از همه آزادیها بهره مند باشند: آزادی انتخاب کردن، انتخاب شدن، آزادی آموزش خویشتن و کار کردن و مبادرت به هر نوع فعالیت اقتصادی.» (در جستجوی راه از کلام امام، ص ۱۶-۳۴)

هم ایشان می فرمایند: «باید همه زنها و همه مردها در مسائل اجتماعی و در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند؛ هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولتی ناظر باشند، اظهار نظر بکنند.» (خمینی، ص ۶۹) ظهور اسلام و تعالیم سعادت بخش آن بدون شک مهمترین واقعه در طول حیات زن بوده و هست و در پرتو این دستورات بود که زن از بردگی و بندگی در تمام عرصه های فردی و اجتماعی رهایی یافت و هویت انسانی خود را بازیافت. اسلام از همان ابتدا این حق را غیر قابل تردید و مسلم دانسته و بر حضور سالم و سازنده آنان در اجتماع صحه گذاشته است. اسلام مشارکت زنان در امور اجتماعی را تحت شرایط و ضوابطی می پذیرد و نگرش ویژه ای نسبت به حضور زن در جامعه دارد که با آنچه در غرب دنبال می شود و برای سایر ملل نیز تبلیغ می شود، تفاوت ماهوی دارد. مهمترین نکته ای که در این میان قابل طرح است این که اسلام مجاز نمی شمارد که به بهانه مشارکت اجتماعی، اساس خانواده متزلزل گردد؛ زیرا رسیدگی به امور همسر و تربیت فرزندان در اسلام از جایگاهی رفیع برخوردار است. تذکر این نکته لازم است که تصور ناسازگاری میان اداره امور منزل با مشارکت اجتماعی، تصویری نابجاست؛ زیرا زن می تواند ضمن حفظ جایگاه خود به عنوان همسر، مادر و مربی فرزندان، به امور اجتماعی متناسب نیز بپردازد. در عین حال باید رسیدگی به امور خانه را یکی از مصادیق بارز و مهم مشارکت اجتماعی دانست و میزان اهمیت همسررداری و فرزند پروری از نظر اسلام تا جایی است که باید آن را اولویت اول یک زن مسلمان به شمار آورد. اسلام حسن شوهررداری و اداره صحیح کانون خانواده را جهاد زنان قلمداد نموده و وعده پادشاهای بزرگ به آن داده است.»

نکته دیگر در رابطه: «با نگرش اسلام نسبت به مشارکت اجتماعی زن این است که اسلام تنها به علت انسان بودن و ارزشی که برای مقام انسانی زن قائل است او را مجاز به حضور در جامعه می داند و از او خواسته است مانند هر انسان دیگری در سرنوشت خویش دخالت کند؛ در حالی که اولین سابقه حضور زنان در جوامع غربی مربوط به سالهای انقلاب صنعتی است که کارخانه داران برای جلب سود بیشتر به کارگر فراوان و ارزان نیازمند بودند؛ در نتیجه زنان را که از کمترین حقوق انسانی بهره مند بودند به کارخانه ها فراخواندند. نکته دیگر این که اسلام علی رغم این که زن و مرد را در شؤون انسانی، حقوق فردی و اجتماعی برابر می داند، مرد و زن را به عنوان دو جنس متفاوت به رسمیت می شناسد و طبعا از حیث خصوصیات و ویژگیهای روحی و جسمی میان آنها تفاوت قائل است: زن از احساسات، عواطف و تواناییها و استعدادهای روحی و جسمی ویژه ای برخوردار است که در مرد نیست و مرد هم خصوصیتی دارد که زن ندارد؛ از این رو، بدیهی است که این تفاوتها باعث تفاوت در نوع مسؤولیتها و وظایف آنها بشود و این امر به هیچ وجه تبعیض میان آنان محسوب نمی شود؛ بلکه وجود این تفاوتها - که از اساس در خلقت و فطرت زن و مرد نهاده شده است - به منظور تکمیل آن توسط یکدیگر و در نتیجه تشکیل و قوام اجتماعات بشری بوده است. از آنجا که زن موجود لطیفی با جاذبه های خاصی است که

را در تحقق سازندگی و ترقی و سعادت‌مندی درک کرده باشد، باید در جهت زدودن باورهای غلط و نگاه تک بعدی و غیر اجتماعی تلاش کند تا بدانجا که محترم شمردن حقوق انسانی و اجتماعی زن به صورت یک فرهنگ عمومی درآمده و نهادینه شود.»

نقش زنان در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی

در رژیم گذشته آگاهی‌های سیاسی: «اجتماعی برای بخش عمده‌ای زنان فراهم نبوده و ماهیت پلید و ضد انسانی رژیم گذشته می‌کوشید زنان آنچنان در فرهنگ مصرفی و تجمل‌گرایی غرق شوند که دیگر جایی برای پرداختن به مفاهیم راستین و ارزشی رسیدگی به مسؤولیت‌های بزرگ اجتماعی برای آنان باقی نماند؛ فعالیت‌های مشخصی هم که به نام آزادی زن ایرانی و مشارکت او در اجتماع صورت می‌گرفت صرفاً تبلیغی و عوام‌فریبانه بود. به فرموده حضرت امام:

«زن در زمان محمدرضا و رضا پهلوی عنصر مظلومی بود و خودش نمی‌دانست؛ آنقدر که ظلم در این زمان شد در زمان جاهلیت معلوم نیست شده باشد. آنقدر که انحطاط برای زنها در این قرن شد معلوم نیست که در قرن جاهلیت شده باشد.» (خمینی، ص ۱۸۶) «مروری بر تاریخ، نشان می‌دهد که تقریباً زنان در تمام صحنه‌های مورد نیاز انقلاب، از تشکیل جلسات سیاسی و زندان و شکنجه گرفته تا توزیع اعلامیه و شرکت مستقیم در مبارزات خیابانی و مقابله با عناصر رژیم حضور فعال و غیر قابل انکار داشته است. استاد مطهری در این رابطه می‌نویسد: انقلاب اسلامی ایران ویژگی‌هایی دارد که در مجموع، آن را در میان همه انقلابات جهان بی‌نظیر و بی‌رقیب ساخته است؛ یکی از آن ویژگی‌ها، سهمین بودن بانوان است.» (مطهری، ص ۴۴)

برخی از زمینه‌های مشارکت مستقیم زنان عبارت‌اند از:

تشکیل جلسات سیاسی: «تحمل حبس و شکنجه، شرکت در تظاهرات خیابانی، تکثیر و توزیع اعلامیه، فعالیت‌های اطلاعاتی، تجهیز و تدارک مبارزین در نبردهای خیابانی و فعالیت‌های امدادی. حضرت امام رحمه الله در تجلیل و تقدیر از نقش مستقیم زنان در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی می‌فرماید: زندانهای شاه از زنان شیردل و شجاع مملو است؛ در تظاهرات خیابانی، زنان، بچه‌های خردسال خود را در سینه فشرده، بدون ترس از تانک و توپ و مسلسل به میدان مبارزه آمده‌اند؛ جلسات سیاسی که زنان در شهرهای مختلف ایران بر پا می‌کنند کم نیست. آنان نقش بسیار ارزنده‌ای را در مبارزات ما ایفا کرده‌اند.» (خمینی، ص ۱۰۲)

مسئله نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی: «هرگز محدود به حضور مستقیم آنان نیست؛ بلکه فعالیت‌های غیرمستقیم آنها چه بسا که به مراتب از اهمیت بیشتری برخوردار باشد؛ این نقش از تأثیر قابل توجهی که احساسات و اندیشه زن بر روی مرد و فرزندان دارد ناشی می‌شود. اخلاق و روانشناسی ویژه زن یعنی حیا، عفاف و تقوا و دور باش زنانه، این موقعیت را برای او فراهم آورده است که نوعی تسلط نامرئی و در عین حال بسیار قوی بر حالات و روحیات مرد داشته باشد.» و به گفته استاد شهید مرتضی مطهری: «اگر در یک جریان اجتماعی

زن‌ها هماهنگی نداشته باشند، از تأثیر مرد هم فوق‌العاده می‌کاهند؛ بر عکس اگر زن‌ها نقش موافق و احساسات موافق داشته باشند، نیروی مردها را هم چند برابر می‌کنند.» (پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۵۰) بنابراین صرف نظر از حضور مستقیم زنان، رضایت بانوان به فعالیتهای سیاسی بستگان خود و صبر در فراق و شهادت آنها بی‌تردید نقش مهمی در پیشبرد انقلاب داشته است.»

مشارکت زنان پس از پیروزی انقلاب در جریان دفاع مقدس

در جریان دفاع سلحشورانه: «مردم مسلمان ایران در برابر تجاوزطلبی عراق، زنان توانستند همدوش مردان و در مواردی پیشاپیش آنها نحوه ادای دین خود را به اسلام و انقلاب در قالب فعالیت های زیر به نمایش گذارند.»

الف) فعالیتهای پشتیبانی و تدارکاتی

اقدامات بانوان: «در این زمینه مربوط به کمک های نقدی و غیرنقدی، جمع آوری کمکهای مردمی، تقسیم و بسته بندی موارد ارسالی به جبهه ها، تهیه لباس و آذوقه برای رزمندگان و تنظیم وسائل سپاهیان بوده است. حضور زنان در این فعالیتها به حدی چشمگیر و وسیع صورت می گرفت که مسؤولیت و مدیریت بسیاری از ستادهای کمک رسانی و پشتیبانی در اختیار آنان قرار گرفته بود.»

ب) فعالیت های امدادی و درمانی

حجم زیادی: «از مسؤولیت مداوای مجروحان و آسیب دیدگان از جنگ در مراکز بهداشتی و درمانی و بیمارستانها متوجه زنان بوده است. اما گذشته از این، بسیاری از بانوان شجاع و متخصص بعضا خود را به مراکز درمانی و بیمارستانهای صحرایی در مناطق جنگی می رساندند و در نزدیکترین ایستگاههای پزشکی به خطوط مقدم، رسیدگی به مجروحان را بر عهده می گرفتند.»

ج) فعالیت های مربوط به شهدا و رسیدگی به خانواده رزمندگان

طی دوران هشت ساله دفاع مقدس: «ستادهای تخلیه شهدا در مناطق جنگی، مراکز معراج شهدا در شهرستان ها از خدمات داوطلبانه بانوان افتخارآفرین بی بهره نبودند. افزون بر این، رسیدگی به خانواده رزمندگان و شهدا و دلجویی از آنها نیز در همه موارد با مشارکت جدی زنان انجام می گرفت.»

د) فعالیت های فرهنگی

«صحنه فرهنگ و هنر راستین هیچگاه از خدمات زنان در قالب نویسندگی، گزارشگری، عکاسی، داستان نویسی، سرودن شعر و... بی بهره نبوده است. در این دوران شاهد آثار متعددی از بانوان در زمینه های مختلف هنری با موضوع جنگ و دفاع مقدس بوده ایم.»

ه) تقویت روحیه رزمندگان

به طور اساسی همراهی روحی زنان: «با مردان حتی بدون هیچ اقدام عملی، تأثیر خود را خواهد داشت و موجب پشتگرمی و استقامت بیشتر مردان می شود. روحیه شهادت طلبی، صبر بر مصیبت عزیزان و رضایت و بلکه ترغیب و تشویق فرزندان، همسران و برادران به حضور در جبهه، بیشترین تأثیر را در روحیه رزمندگان اسلام می گذاشت.» (خمینی، ص ۲۸۰)

نتیجه‌گیری

در این مقاله به آنچه که گفته شد به این نتیجه دست یافتیم: «نقش زنان در آینده جهان، نقش کلیدی و تاثیرگذار خواهد بود. با توانمندسازی زنان و فراهم کردن فرصت‌های برابر برای آن‌ها، می‌توان به توسعه پایدار و پیشرفت همه‌جانبه دست یافت. این امر نیازمند تغییر نگرش‌ها، مبارزه با تبعیض جنسیتی و ایجاد یک جامعه عادلانه و برابری برای همه است. آینده جهان به میزان زیادی به مشارکت فعال زنان در تمامی ابعاد توسعه وابسته است. با حمایت از برابری جنسیتی، ارتقای آموزش زنان، و افزایش مشارکت سیاسی آنها، می‌توان انتظار داشت که شاهد توسعه‌ای پایدارتر و عادلانه‌تر باشیم. این امر مستلزم تلاش‌های مشترک دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، و جامعه مدنی است. اما با رفع این چالش‌ها و فراهم کردن فرصت‌های برابر برای زنان، می‌توان به آینده‌ای بهتر و عادلانه‌تر دست یافت.»

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

- ۱- آیت اللهی، زهرا، (۱۳۸۰)، زن، دین، سیاست، نشر: سفیر صبح.
- ۲- آلوین، ی. سو، (۱۳۷۸)، **تغییرات اجتماعی و توسعه**، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- ۳- اعتصامی پور، آذر، ۷۶/۴/۳۱، **جایگاه اجتماعی زنان در جامعه امروز**، روزنامه سلام.
- ۴- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۸۰)، **مناقب آل ابی طالب**، نشر: ذوی القربی.
- ۵- لیس تورس، آماری و همکاران، (۱۳۷۵)، **جنسیت و توسعه**، ترجمه دکتر جواد یوسفیان، انتشارات بانو، تهران.
- ۶- اداره اطلاعات همگانی ملل متحد، (۱۳۷۴)، **چهارمین کنفرانس جهانی در مورد زنان**، کنفرانس تعیین دستور کار زنان در قرن آتی، بخش باز تولید ملل متحد، تهران، مرداد ۱۳۷۴.
- ۷- ابن هشام، عبدالملک، (۱۳۹۶)، **سیره ابن هشام**، نشر: مولی.
- ۸- جواد آملی، عبدالله، (۱۳۸۶)، **زن در آیینه جلال و جمال**، نشر: اسراء.
- ۹- حسون، محمد و همکاران، (۱۳۳۸)، **اعلام النساء المؤمنات**، نشر: دارالاسوه للطباعة و النشر.
- ۱۰- خمینی، روح الله، (۱۳۶۸)، **صحیفه نور**، تهران، نشر: موسسه تنیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- ۱۱- دبیرخانه کمیته ملی، سند جاکارتا، کمیته ملی چهارمین کنفرانس جهانی زن پکن، از انتشارات کمیته.
- ۱۲- دبیرخانه کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه، (۱۹۹۴) **کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه قاهره**، صندوق جمعیت ملل متحد.
- ۱۳- صندوق کودکان سازمان ملل متحد، (۱۳۷۲)، **نقش زنان در توسعه**، انتشارات روشنگران، تهران.
- ۱۴- فقیهی، حسین، (۷۴/۱۱/۱۰)، **زن در فرهنگ اسلام**، روزنامه سلام.
- ۱۵- قزل سفلی، محمد تقی، (۱۳۷۹)، **جهانی شدن؛ رویارویی همزیستی**، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره یازدهم و دوازدهم.

۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۹۳)، **کافی**، نشر: دارالثقلین.

۱۷- مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در ایران، (۱۳۷۳)، دستور کار برای توسعه، گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد (پطروس گالی)، چهل و هشتمین اجلاسیه تهران.

۱۸- مکتبه الحیدریه، (۱۳۸۶)، **الامامة و السياسة**، نشر: مکتبه الحیدریه.

۱۹- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۹۶)، **بحار الانوار**، نشر: دارالکتب الاسلامیه.

۲۰- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴)، **پیرامون جمهوری اسلامی**، تهران، نشر: صدرا.